

سکوت پرحاشیه احمدی‌نژاد و سیاست سخت جلیلی؛ میراثی که هنوز سایه می‌اندازد

در دوران ریاست احمدی‌نژاد بر دولت‌های نهم و دهم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی که پیش‌تر بر تنش‌زدایی متمرکز بود، دستخوش تغییراتی اساسی شد و جهت‌گیری سیاست خارجی کشور را به سمت تنش‌زایی سوق داد.

به گزارش سایت خبری پُرسون، پس از آغاز مذاکرات بین ایران و ایالات متحده، محمود احمدی‌نژاد و سعید جلیلی، دو چهره‌ای که در کنار هم سیاست خارجه پرتنشی دنبال می‌کردند استراتژی سکوت و حمله به جای دفاع از عملکرد را در پیش گرفته‌اند. احمدی‌نژاد، که در زمان ریاست بر دولت‌های نهم و دهم، غوغا و جنجال‌آفرینی می‌کرد و حالا ترجیح داده سکوت کند؛ چیزی که به او ابدا نمی‌آید. جلیلی، هم یا بی‌سروصداست و یا گاه مخالفت‌هایی را ابراز می‌کند.

خاموشی احمدی‌نژاد سنگین است

محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهوری پیشین ایران، پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری‌اش مدتی در خاموشی به سر برد، اما با سکوت سر سازگاری نداشت و رفته‌رفته به حالت پیش‌فرض خود بازگشت. تا آنجا که تصمیم گرفت یک بار دیگر شانس خود را در انتخابات ریاست‌جمهوری محک بزند.

او در حالی برای رقابت‌های انتخاباتی در سال ۹۶ ثبت نام کرد که پیش از آن رهبری صراحتاً از پشت تریبون حضور او را منع کرده بودند. شورای نگهبان با این ترمز احمدی‌نژاد، پرونده انتخابات را بدون حضور او بست؛ اگرچه این باعث شد مسیر سیاسی او مسدود شود اما در رسانه‌ها و گعده‌هایش مسیر گذشته را طی می‌کرد. در مدت اخیر که مذاکرات ایران و آمریکا از سر گرفته شده، او خاموشی را ترجیح داده است. حال آنکه هنوز افرادی او را باعث و بانی وضعیت کنونی کشور می‌دانند و معتقدند مسیری که او باز کرد همچنان اقتصاد و سیاست کشور را تحت الشعاع خود قرار داده است.

کاغذهایی که پاره نبود

در دوران ریاست احمدی‌نژاد بر دولت‌های نهم و دهم، سیاست خارجی جمهوری اسلامی که پیش‌تر بر تنش‌زدایی متمرکز بود، دستخوش تغییراتی اساسی شد. رئیس دولت شخصاً با مواضع جنجالی غرب‌ستیزانه مثل انکار «هولوکاست» و «کاغذپاره» خواندن تحریم‌ها، جهت‌گیری سیاست خارجی کشور را به سمت تنش‌زایی سوق داد.

هرچند برای او و هوادارانش، این‌گونه اظهارات رجزخوانی در برابر تهدیدات تلقی می‌شد، اما در عمل حاکی از آن بود که در ذهن عالی‌ترین مسئول اجرایی کشور واقعیت سیاست کاغذپاره پاره است و با چنین ذهنیتی در دولت‌های تحت امر او، شورای امنیت سازمان ملل شش قطعه‌نامه علیه ایران صادر کرد. هر یک از این تحریم‌ها، فعالیت تجاری، بانکی و نفتی، اقتصاد ایران را تحت فشار شدیدی قرار داد. از سوی دیگر قطعنامه ۱۹۲۹ که ایران را ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار می‌داد و ممکن بود کشور را در معرض تهدید حمله نظامی قرار بگیرد.

از سایه احمدی‌نژاد تا دولت سایه

سعید جلیلی نیز همزمان با ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ مسئول پرونده هسته‌ای ایران خارجی بود. جلیلی سال ۱۳۹۲ با ورود به عرصه رقابت‌های انتخاباتی سودای رقابت بر سر ریاست جمهوری پیدا کرد. همان زمان افکار عمومی جلیلی را موتور پیشران احمدی‌نژاد در سیاست خارجی دولت‌های نهم و دهم می‌شناخت و از این نظر او را در کاهش درآمدهای کشور، بالارفتن تورم و کاهش ارزش پول ملی شریک رئیس دولت وقت می‌دانست.

هرچند که او از برخی جهات از احمدی‌نژاد متفاوت به نظر می‌رسید. در حالی که احمدی‌نژاد در اواخر دوره ریاست‌جمهوری‌اش تأثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را تا حدی پذیرفته بود، جلیلی با سرسختی بیشتری در مذاکرات هسته‌ای عمل می‌کرد و نگاهش به واقعیت‌های سیاست جهانی، در مقایسه با احمدی‌نژاد، انعطاف کمتری داشت. کار به جایی رسیده بود که علی‌اکبر ولایتی که سالها وزارت خارجه ایران را برعهده داشت در یکی از مناظره‌های انتخاباتی در طعنه به جلیلی گفت میز مذاکره کلاس فلسفه نیست.

پس از ورود سعید جلیلی به عرصه رقابت‌های انتخاباتی، شباهت‌های او با محمود احمدی‌نژاد، از نظر برخی رای‌دهندگان، سبب شد که او در نخستین حضور انتخاباتی خود در سال ۱۳۹۲ تنها حدود ۴ میلیون رای کسب کند. جلیلی پس از سالها سایه نشینی دولت‌ها، در مرحله دوم انتخابات ۱۴۰۳ نیز ۱۳.۵ میلیون رای آورد اما برخی معتقدند که پایگاه رای واقعی جلیلی فراتر از ۴ میلیون نیست و اگر جلیلی برای بار دیگر نامزد انتخابات شود بعید است که ۱۳ میلیون رای بیاورد؛ چرا که بخشی از آرای پیشین او به عوامل غیرمستقل از پایگاه اجتماعی‌اش وابسته بوده است.

اگرچه نوع نگاه سعید جلیلی در این سال‌ها بر کسی پوشیده نمانده بود، اما روایت مصطفی پورمحمدی در یکی از مناظره‌های انتخاباتی حاکی از آن بود که جلیلی بیشتر از سر سیاسی‌کاری با دولت وقت بر طبل مخالفت با پرونده‌های FATF و ... کوبیده. پورمحمدی گفته بود که سال ۹۵ (دوره اول

ریاست جمهوری روحانی) در جلسه شورای عالی امنیت ملی همراه با علی طیب نیا نزد جلیلی رفته اما جلیلی گفته تو مسئول باشی ما قبول داریم اما آقایان را قبول نداریم!

از انتصاب جلیلی تا عبور از جلیلی

برخی این اعتقاد را دارند که فرقی بین جلیلی و احمدی‌نژاد وجود دارد؛ چراکه احمدی‌نژاد در اواخر دولت نگاهش به واقعیت نزدیک‌تر شده. برای نمونه، عباس امیری‌فر، فعال سیاسی اصولگرا به خبرنگارن گفت بود: «احمدی‌نژاد جلیلی را دبیر شورای عالی امنیت ملی کرد اما او می‌خواست جلیلی را برکنار کند اما قدرت‌ش را نداشت چراکه ۲ سال آخر بود و نمی‌توانست قدرت خود را اعمال کند والا جلیلی را برمی‌داشت.»

ابراهیم متقی، رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران هم در بخشی از میزگرد بررسی مذاکرات ایران و آمریکا در خبرنگارن گفت: «زمانی احمدی‌نژاد، از آقای جلیلی که دبیر شورای عالی امنیت ملی بود، عبور کرد. یعنی مذاکرات مسقط را علی اصغر خاجی از طرف ایران و ویلیام برنز از طرف آمریکا به انجام رساند. وندی شرمین هم در معیت ویلیام برنز بود. یعنی مسائلی بود که در داخل هم چالش‌هایی را می‌توانست به وجود بیاورد. اما اراده احمدی‌نژاد توانست به هر ترتیب معطوف به ایفای یک نقش سازنده‌ای باشد که قبل از آن مجوزش را از مقام معظم رهبری گرفته بودند و از فروردین ۱۳۹۲، حضرت آقا در سخنرانی مشهد خود، این موضوع را تایید کردند که دیپلماسی در نگرش ایران یک امر ساختاری است.»

ولو آنکه احمدی‌نژاد مسیرش از سعید جلیلی جدا باشد، به آن معنا نیست که ریاست جمهوری محل مناسبی برای کارآموزی در حوزه سیاست خارجی است و هر یک از این‌ها باید به خاطر نقش خود در وضعیت کنونی کشور پاسخ گو باشند. با این حال یکی از آنها به سکوت مطلق روی آورده و دیگری هم که گاهی خود را نشان می‌دهد، درباره کارنامه خود سکوت می‌کند و با رویکرد انتقادی نسبت به سیاست خارجی دولتهای مخالف ... فرار رو به جلو را ترجیح می‌دهد.

اما این سکوت نه با آنها سازگار است و نه به نظر می‌رسد بتواند جایگاه سیاسی‌شان را در افکار عمومی بازسازی کند. احمدی‌نژاد، که در هشت سال ریاست جمهوری‌اش با جنجال‌ها و اظهارات پرهیاهو شناخته می‌شد، نمی‌تواند به سادگی خود را در قامت شخصیتی آرام و بی‌حاشیه نشان دهد. کارنامه دولت او، که از منظر بسیاری فاقد دستاوردهای قابل‌توجه بود، این امکان را به او نمی‌دهد که با کناره‌گیری از جنجال‌ها و ادعای بی‌نیازی به حاشیه، گذشته‌اش را از خاطر افکار عمومی پاک کند.

سکوتی که گذشته را پاک نمی‌کند

در زمانه‌ای که حافظه جمعی جامعه به دلیل دسترسی گسترده به اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی قوی‌تر از گذشته است، احمدی‌نژاد نمی‌تواند انتظار داشته باشد که جنجال‌ها و دستاوردهای ناچیز دوران‌ش در سایه فراموشی قرار گیرد. این شرایط با دوران گذشته، که اطلاعات عمدتاً از طریق چند رسانه محدود مانند تلویزیون یا روزنامه‌های رسمی منتشر می‌شد، تفاوت آشکاری دارد. افکار عمومی امروز به سادگی از کنار گذشته سیاسی چهره‌هایی مانند او نمی‌گذرد.

در سوی دیگر، سعید جلیلی، اگرچه به اندازه احمدی‌نژاد جنجال‌آفرین نبوده، اما نزدیکان و نیروهای حامی او این خلأ را پر کرده‌اند. جلیلی نمی‌تواند از پاسخ‌گویی به کارنامه‌اش در مذاکرات هسته‌ای، که بسیاری آن را ناکارآمد یا مخرب می‌دانند، شانه خالی کند. سال‌ها مذاکره نکردن یا مذاکره ضعیف و مخالفت با گشایش‌های بین‌المللی، که به معیشت میلیون‌ها نفر گره خورده بود، دلیلی برای کناره‌گیری او از نقد عمومی نیست. فقط در پرونده مسدودی کرسنت بیژن نامدار زنگنه، وزیر پیشین نفت، بارها خواستار مناظره با جلیلی درباره این پرونده شده اما جلیلی با ادعای کمبود وقت، از این مناظره سر باز زده است.

سکوت کنونی احمدی‌نژاد و جلیلی نه تنها جذابیتی برای افکار عمومی ندارد، بلکه حتی نمی‌تواند به بازسازی چهره سیاسی آنها منجر شود. زمانی که این دو باید با در نظر گرفتن منافع ملی سکوت می‌کردند، با مواضع جنجالی یا غیرسازنده به صحنه آمدند. حالا نیز سکوت یا مخالفت‌ورزی با مذاکرات جاری، نه تنها جذابیتی برای جامعه ندارد، بلکه مطالبه‌گری عمومی را برای پاسخ‌گویی آنها درباره مسئولیت‌های گذشته‌شان تشدید می‌کند. در روزگار کنونی، جامعه نه تنها مطالبه‌گر، بلکه طلبکار پاسخ‌گویی از دولتمردان است و این انتظار از چهره‌هایی مانند احمدی‌نژاد و جلیلی بیش از پیش احساس می‌شود.